

مسئولیت بین‌المللی کیفری برای جنایت‌های ارتكابی در خوجالی

حسین فخر*

دانشیار حقوق، دانشگاه تبریز

سالار صادقی

دانشجوی دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۳۰ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۰۴/۲۲)

چکیده

رویدادهای قره‌باغ در سال ۱۹۸۸ همراه با تلاش‌های مستمر ارمنستان برای ساختن یک حکومت، به تخریب شهرها، روستاها و قتل و آوارگی صدها نفر از آذربایجانی‌ها از سرزمین مادری خود منجر شد. در ۲۵ و ۲۶ فوریه ۱۹۹۲ به‌دنبال بمباران توپخانه خوجالی، این شهر به‌دست نیروهای ارمنی تسخیر شد و ارمنستان در قره‌باغ یک عملیات جنگی آغاز کرد. پرسش اصلی این است که با توجه به حقایق ثبت‌شده، نابودی عمدی کسانی که در سال ۱۹۹۲ در شهر خوجالی زندگی می‌کنند، آیا به‌دلیل ملیت و قومیت‌شان انجام گرفت؟ و آیا می‌توان بنابر قوانین بین‌المللی، این رویداد را یک نسل‌کشی نامید؟ اگر چنین باشد، آیا دادگاهی برای محاکمه مرتکبان این جنایت صلاحیت دارد؟ و نیز مسئولیت دولت مهاجم در این مورد چگونه خواهد بود؟ این قتل‌عام از جمله جنایت‌های بین‌المللی است که تاکنون دادگاهی برای رسیدگی به آن تشکیل نشده است. در این نوشتار تلاش شده است که رویداد خوجالی از منظر حقوق بین‌المللی کیفری به‌عنوان یکی از جنایت‌های بین‌المللی که سازمان‌های مختلف بین‌المللی و کشورهای متعددی آن را محکوم کرده‌اند، بررسی شود تا ابعاد قانونی و حقوقی این رویداد روشن شود. بدین ترتیب، پس از شرح رویدادها و واکنش کشورها و سازمان‌ها به آن، توصیف حقوقی این رویداد به‌مثابه جرمی بین‌المللی با توجه به اسناد و قوانین بین‌المللی صورت می‌گیرد تا مجازات‌های قابل اجرا و مسئولیت بین‌المللی دولت ارمنستان مشخص شود.

کلیدواژه‌ها

جنایت بین‌المللی، حقوق بین‌المللی کیفری، خوجالی، قره‌باغ، مسئولیت بین‌المللی.

* E-mail: Hossein.fakhr1365@gmail.com

مقدمه

پس از جنگ جهانی دوم و جنایت‌های نازی‌ها در طول آن، توجه جامعه جهانی به حقوق بشر بیشتر جلب شد و قوانین و کنوانسیون‌های متعددی درباره حقوق بشر و جرائم بین‌المللی تصویب شد که از آن‌ها، اعلامیه جهانی حقوق بشر، منشور لندن برای جرائم جنگی و جرائم علیه بشریت و کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرم نسل‌کشی است. کنوانسیون اخیر سندی الزام‌آور برای تمام کشورهاست که به موجب آن، دولت‌ها برای کارهای غیرقانونی بین‌المللی خود و به موجب عضویت خود در جامعه بین‌المللی، تعهدات عام دارند و در صورت نقض آن‌ها، مسئول شناخته خواهند شد. اما موج گسترده‌ای از جنایت‌های بین‌المللی در گوشه و کنار جهان ادامه یافت که از جمله این جنایت‌ها می‌توان به قتل عام کردها در عراق، جنایت‌های خمرهای سرخ در کامبوج و سپس نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت در رواندا و یوگسلاوی اشاره کرد.

یکی از بحران‌های بین‌المللی قرن بیستم، بحران قره‌باغ است که در سال ۱۹۹۱ پس از فروپاشی اتحاد شوروی، این دو کشور را در مسیر جنگ و چالش خونین قرار داد. در این جنگ تعداد زیادی از آذری‌زبان‌های منطقه قره‌باغ کشته و آواره شده‌اند و اکنون آرامنه اکثریت مطلق جمعیت قره‌باغ را تشکیل می‌دهند (زهرانی و فرجی لوحه‌سرا، ۱۳۹۲: ۱۰۸). در نتیجه این جنگ، شهر خوجالی به وسیله نیروهای ارمنی تسخیر شد و ۶۱۳ نفر از مردم غیرنظامی این شهر به دست نیروهای ارمنی کشته شدند.

در این نوشتار تلاش شده است تا کشتار مردم خوجالی در سال ۱۹۹۲ با توجه به حقوق بین‌الملل کیفری بررسی شود. بدین ترتیب، باید مشخص شود که با توجه به کنوانسیون منع نسل‌کشی سال ۱۹۴۸ اول، آیا این کشتار یک نسل‌کشی محسوب می‌شود یا خیر؛ دوم، مسئولیت دولت در این کشتار چگونه تحقق پیدا می‌کند و سوم چه دادگاهی برای رسیدگی به این جنایت صلاحیت دارد. در ادامه، پس از معرفی خوجالی و نزاع تاریخی بحران قره‌باغ، به شرح رویداد خوجالی پرداخته و سپس از نظر حقوق بین‌الملل، ابعاد قانونی این رویداد بررسی می‌شود.

پیشینه تاریخی جنگ قره‌باغ

خوجالی^۱، شهری در داغلیق قره‌باغ، واقع در ۱۰ کیلومتری شمال شرق خان‌کندی پایتخت آن است. از نظر قانونی و بین‌المللی^۲، بخشی از جمهوری آذربایجان است. جمهوری آذربایجان این شهر را به‌عنوان پایتخت منطقه خوجالی رایون به حساب می‌آورد (Atun, 2011: 1). شهر

1. Xocali– Khodzhalı, Khodgalou, Khodzhalv, Khodzhalı, Khojalu, Khozhali
2. De jure

خوجالی از زمان‌های قدیم منعکس‌کننده تاریخ و سنت‌های جمهوری آذربایجان است و به‌عنوان فرهنگ خوجالی-گنیده بیک^۱ در جمهوری آذربایجان و تاریخ قفقاز طبقه‌بندی شده است. خوجالی - گنیده بیک یکی از تمدن‌های درخشان عصر مفرغ در هزاره دوم قبل از میلاد در این منطقه است. جمعیت این شهر در حال حاضر ۹۰۸ نفر است.

در پایان سال ۱۹۸۷، جمهوری سوسیالیستی ارمنستان آشکارا نسبت به منطقه خودمختار قره‌باغ، ادعای ارضی کرد و در سال ۱۹۸۸ جمعیت ۲۵۰ هزار نفری آذربایجانی‌ها از ارمنستان اخراج شدند و ارمنستان یک دولت تک قومی شد (Baguirov, 2011: 4). ارامنه علاوه بر اخراج آذری‌ها از ارمنستان، می‌خواستند به هر شکلی شده قره‌باغ را از کنترل جمهوری آذربایجان خارج کنند که خیلی زود به آرزویشان رسیدند. مسکو با حمایت آشکار از ارامنه و دادن وعده‌های دروغ تلاش می‌کرد تا طرف آذربایجانی را ساکت و آسوده خاطر کند (عاکف، ۱۳۹۲: ۵۸). سرانجام، طرح ادعاهای ارضی علیه جمهوری آذربایجان از سال ۱۹۸۸ به بعد دوباره شدت گرفت و به جنگ قره‌باغ دامن زده شد. شایان توجه اینکه، بیانیه علل و هدف‌های اخراج و پاکسازی‌های قومی در جلسه‌ای به‌شکل منظم در مجمع پارلمانی شورای اروپا در سال ۲۰۰۶ که به‌وسیله چند تن از نمایندگان جمهوری آذربایجان، ایتالیا، فرانسه، اوکراین، ترکیه، رومانی امضا شده بود، هدف از پاکسازی قومی آذربایجانی‌ها در ارمنستان را ایجاد ارمنستان کبیر بیان کرده بودند (Parliamentary Assembly, 2006). بر خلاف قانون اساسی اتحاد شوروی که تمامیت ارضی و مصونیت مرزهای جمهوری‌های متحد را تضمین می‌کرد، هر دو جمهوری سوسیالیستی ارمنستان اتحاد شوروی و اعضای جامعه ارمنی برای جدایی منطقه خودمختار آذربایجان، تصمیماتی گرفتند و تصویب کردند. در پایان سال ۱۹۹۱ و آغاز سال ۱۹۹۲، ارمنستان در خاک جمهوری آذربایجان عملیات جنگی آغاز کرد. در نتیجه، بخش قابل توجهی از خاک جمهوری آذربایجان به‌وسیله ارمنستان اشغال شد (Musayev, 2009: 1).

شرح رویداد

نیروهای ارمنی تقویت‌شده به‌وسیله هنگ (گردان) ۳۶۶ سرباز پیاده‌نظام، به شهر خوجالی در شب ۲۵ فوریه ۱۹۹۲ حمله و شهر بی‌دفاع را در ۳۶ ساعت اشغال کردند. گردان ۲ از هنگ ۳۶۶ زیر فرمان سرگرد اوگانیان سیران موشگوویچ، گردان ۳ زیر فرمان یوگنی نابوخین، رئیس کارکنان گردان ۱ چتیان والری و بیش از ۵۰ افسر و پرچمدار، در خدمت هنگ در این حمله شرکت کردند. شهر از سه طرف محاصره شد و مهاجمان وارد شهر شدند. این جنگ به مرگ

و زخمی شدن هزاران نفر از مردم منجر شد و صدها نفر پناهنده و به‌زور جابه‌جا شدند. پیش از جنگ، ۷۰۰۰ نفر در این شهر از منطقه قره‌باغ زندگی می‌کردند. از اکتبر ۱۹۹۱، شهر به‌شکل کامل به‌دست نیروهای حمله‌کننده احاطه شده بود. از ۲۵ تا ۲۶ فوریه ۱۹۹۲، به‌دنبال بمباران عظیم خوجالی، حمله به شهر از جهات مختلف آغاز شد. در نتیجه، ۶۱۳ غیرنظامی، از جمله زنان، کودکان و افراد مسن کشته شدند. سه هزار نفر در شهر در زمان حمله نیروهای نظامی ارمنی حضور داشتند. بسیاری از مردم در طول چهار ماه محاصره به ترک شهر مجبور شدند. ۱۰۶ نفر از کشته‌شدگان زن، ۶۳ کودک و ۷۰ پیرمرد بودند. هشت خانواده به‌شکل کامل نابود شد. ۱۲۷۵ نفر از نیروهای حافظ صلح به گروگان گرفته شدند و سرنوشت ۱۵۰ نفر از آن‌ها هنوز ناشناخته است (Muslum, 2007: 3). به گفته نویسنده ارمنی مارکر ملکونیان، که کتاب خود را به برادرش مونت ملکونیان داده و شخصاً در حمله به خوجالی شرکت کرده بود، شهر «هدف راهبردی بوده است، اما عمل انتقام‌جویانه هم مد نظر بود» (Malkonian, 2005: 214). نابودی تمام اسناد مهم فرهنگی و آثار تاریخی و قبرستان خوجالی، که یکی از گورستان‌های باستانی در تاریخ است، نمونه‌های بارزی از تجاوز علیه فرهنگ جهانی هستند (De Waal, 2004: 172).

واکنش‌های سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای دیگر

قطعه‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل و دیده‌بان حقوق بشر و دادگاه اروپایی حقوق بشر و دوازده کشور دیگر، قتل عام خوجالی را به رسمیت شناخته‌اند. دادگاه اروپایی حقوق بشر در بند ۸۷ حکم خود در آوریل ۲۰۱۰ اشاره می‌کند که حمله نیروهای ارمنی در طول اشغال خوجالی به وسیله سازمان دیده‌بان حقوق بشر، عفو بین‌الملل، نیویورک تایمز، نیوزویک، واشنگتن پست و خبرگزاری فرانس پرس مستند شده است. دیده‌بان حقوق بشر در گزارشی رویداد خوجالی را بزرگ‌ترین قتل عام تا به امروز، بیان کرده است (Human Rights Watch, 1994: 6). از نظر قانونی، تعلق منطقه اشغالی قره‌باغ به جمهوری آذربایجان، به وسیله تمام نهادها و سازمان‌های بین‌المللی مرتبط، از جمله شورای امنیت سازمان ملل متحد، مجمع عمومی سازمان ملل (۱۳۴/۴۹ و ۲۹۸۵/۵۷)، سازمان امنیت و همکاری اروپا، سازمان همکاری‌های اسلامی و مجمع پارلمانی شورای اروپا و قطعه‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل به رسمیت شناخته شده است (United Nations Security Council, 1993).

دیده‌بان حقوق بشر در گزارشی از ارمنستان می‌خواهد تا از نفوذ خود بر روی نیروهای قره‌باغ برای توقف خصومت و خشونت، از جمله گروگان‌گیری و اجرای اصول حقوق بشر سود جوید. از سوی دیگر، از جمهوری آذربایجان می‌خواهد تا نخست، آمران و مرتکبان اعمال جنایت‌کارانه، چه اعضای ارتش ملی چه میلیشیاها را در دادگاهی آزاد و منصف تحت

تعقیب قرار دهد و از نفوذ خود برای فشار بر مقامات محلی برای پایان‌بخشیدن به گروگان‌گیری و تضمین بازگشت امن گروگان‌ها استفاده کند؛ دوم، در مورد ادعای شکنجه زندانی‌های ارمنی تحقیق کند و آمران و کسانی که در این اعمال نقش داشته‌اند یا جلوی این اعمال را نگرفته‌اند را در دادگاهی آزاد و منصفانه محاکمه کند و به روزنامه‌نگاران اجازه بازدید از مناطق جنگی را بدهد تا بتوانند از وضعیت غیرنظامیان شواهدی عینی جمع‌آوری کنند (Rachel, 1992: 3).

سازمان امنیت و همکاری اروپا از سوی دولت‌های اروپایی، مسئولیت رفع خطر ناامنی و حل فعالانه بحران قره‌باغ را عهده‌دار شد و در سال ۱۹۹۲ گروه مینسک را ایجاد کرد که وظیفه آن برگزاری گفت‌وگو بین دو طرف متخاصم و تعیین سرنوشت قره‌باغ بود؛ هرچند اقدامات آن به نتیجه مشخصی نرسید. چون چهار عضو شورای امنیت که عضو سازمان امنیت و همکاری هستند، بی‌طرفی خود را حفظ نکردند و به‌دنبال منافع خود بودند (معین‌آبادی بیدگلی و صدری علی بابالو، ۱۳۹۴: ۱۰۳-۹۱). مرکز حمایت از حقوق بشر روسیه در پیام تسلیتی اعلام کرد که در چهار روز، ۲۰۰ جسد به شهر آغدام انتقال یافته و بررسی‌ها نشان داده است که به ده‌ها جسد تعرض شده است و به مثله‌شدن بسیاری از مردم نیز اشاره کرد (سلیمان‌اف، ۱۳۸۸: ۱۶۷). سازمان همکاری‌های اسلامی اولین سازمان بین‌المللی است که ارمنستان را به‌عنوان متجاوز و رویداد خوجالی را به‌عنوان نسل‌کشی به‌رسمیت شناخته است. هدف از کمپین «عدالت برای خوجالی» که به‌وسیله انجمن جوانان سازمان همکاری‌های اسلامی سازماندهی شده و در بیش از ۴۰ کشور جهان انجام شده است، آگاه‌سازی جامعه بین‌المللی در مورد این رویداد خونین است (Organization of Islamic Cooperation, 2016). ارمنستان ادعا کرد که ما مسئله قره‌باغ را یک درگیری سیاسی داخلی می‌دانیم که فقط باید از راه گفت‌وگو بین دولت آذربایجان و رهبری تازه انتخاب‌شده قره‌باغ حل شود، با در نظر گرفتن اینکه ارمنستان هیچ ادعای ارضی در جمهوری آذربایجان ندارد (Hakobyan, 2010: 5). همچنین ادعا می‌کند که رهبری آذری‌ها از قلمروی خوجالی برای حمله شدید توپخانه استفاده کردند، در نتیجه شهر به یک هدف نظامی مشروع برای نیروهای دفاع شخصی تبدیل شد. رهبری آذری‌ها بیشتر مانع از خروج جمعیت غیرنظامی از این روستای نظامی شد. رهبری آذری نتوانست غیرنظامیان را پس از هشدار عمومی عملیات نظامی آینده، نقل مکان و جابه‌جا کند. در حالی که برای انجام این کار فرصت‌های زیادی داشت؛ چهارم، عقب‌نشینی نیروهای آذری موجب تبادل آتش در نیروهای دفاع شخصی جمهوری قره‌باغ از پنج مایلی خوجالی شد که به ضرر و خسارت در هر دو طرف منجر شد. علاوه بر این، جمهوری آذربایجان همچنان به ایجاد زمینه برای یک تراژدی انسانی طولانی‌مدت به‌وسیله تحریک احساسات ضدارمنی و تعصب در جامعه آذری ادامه داد. چنین سیاستی مانع تلاش برای ایجاد پل بین مردم ارمنی و

آذری و دستیابی به صلح نهایی و طولانی مدت بین جمهوری آذربایجان و قره‌باغ می‌شود (Hakobyan, 2010: 12).

ایران خواستار صلح میان ملت‌ها است. با این هدف، علی‌اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه وقت ایران طرح صلحی را برای مناقشه قره‌باغ پی‌ریزی کرد و هر دو کشور ارمنستان و جمهوری آذربایجان موافقت خود را با آن اعلام کردند. یک روز بعد، ولایتی از قره‌باغ بازدید کرد (سلیمان‌اف، ۱۳۸۸: ۱۹). رهبر ایران، آیت‌الله خامنه‌ای در فرمایشی قره‌باغ اشغالی را جزو اراضی اسلام معرفی کردند که در دوران جنگ قره‌باغ با اقدامات خود به ارتش جمهوری آذربایجان کمک‌های فراوان نظامی کرد و با اشاره به ظلم و ستم تحمیل شده بر مسلمانان در بوسنی و هرزگوین، تاجیکستان و منطقه قره‌باغ جمهوری آذربایجان فرمود: «دولت ارمنستان و ارامنه قره‌باغ به مسلمانان این منطقه ستم می‌کنند و ما اقدامات اخیر ارامنه قره‌باغ را که به پشتیبانی دولت ارمنستان صورت گرفته است محکوم می‌کنیم و انتظار داریم که ارامنه داخل کشور ما نیز رفتار ارامنه آن منطقه را محکوم کنند» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲). با این همه، برخی از تحلیل‌گران سیاسی معتقدند که جمهوری اسلامی ایران بنا به دلایل گوناگون و ملاحظات مختلف سیاسی، اقتصادی، منطقه‌ای و جهانی در این مورد، نقش محوری لازم را ایفا نکرده است. در دوره دولت سازندگی، جمهوری اسلامی ایران تلاش کرد تا به‌عنوان میانجی برای حل بحران‌های منطقه‌ای از جمله بحران قره‌باغ عمل کند و به گسترش روابط اقتصادی، ایجاد شالوده ارتباطی و فعالیت‌های فرهنگی در چارچوب نظام‌های سیاسی جدید پردازد (کریمی، ۸۷-۱۳۸۶: ۸۴).

بررسی رویداد خوجالی از منظر حقوق بین‌الملل کیفری و ابعاد قانونی آن

برای بررسی رویداد خوجالی، تنها سند الزام‌آوری که تا سال ۱۹۹۲ وجود دارد و می‌توان به آن استناد کرد، کنوانسیون منع و مجازات جنایت نسل‌کشی ۱۹۴۸ است که به موجب آن، نسل‌کشی یک جنایت بین‌المللی است. این سند بین‌المللی نشان‌دهنده یک تدوین صالح از اصول اساسی حقوقی مربوط به نسل‌کشی است. البته می‌توان از منظر رویه قضایی دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی و رواندا، آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر، قطعنامه‌های متعدد سازمان ملل، اصول عمومی حقوق بین‌الملل و حقوق بین‌المللی عرفی نیز رویداد خوجالی را بررسی کرد. شایان توجه اینکه نسل‌کشی در ماده ۱۰۳ قانون جزایی جمهوری آذربایجان و ماده ۳۹۳ جمهوری ارمنستان نیز جرم‌انگاری شده است.

الف) توصیف حقوقی جنایت‌های ارتكابی در خوجالی

اسناد بین‌المللی خلاصه‌ای از ارزش‌های اساسی، مانند صلح و احترام به حقوق بشر را منعکس می‌کنند. اجماع بر آن‌ها در سال ۱۹۴۸ در اعلامیه جهانی حقوق بشر منعکس شده است که بنابر آن «به رسمیت شناختن حیثیت ذاتی و حقوق برابر و مسلم همه اعضای خانواده بشری اساس آزادی، عدالت و صلح در دنیا است». بنابراین، جامعه بین‌المللی که از راه سازمان ملل متحد، به‌ویژه از راه شورای امنیت عمل می‌کند، برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از جمله از راه پاسخ به جنایت‌های بین‌المللی که شامل مسئولیت عاملان جنایت‌های بین‌المللی است، طراحی شده است.

ماده ۶ اساس‌نامه دادگاه کیفری بین‌المللی نیز به پیروی از ماده ۲ کنوانسیون منع نسل‌کشی، این جرم را متشکل از یکی از اعمال پنج‌گانه زیر دانسته است و هر یک از اعمال زیر با هدف نابودکردن تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی، نسل‌کشی محسوب می‌شود: ۱. کشتن اعضای یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی؛ ۲. زدن صدمه شدید جسمانی یا روانی به اعضای گروه؛ ۳. تحمیل اقداماتی با هدف جلوگیری از تولد و تناسل بین گروه؛ ۴. تحمیل عمدی شرایط زیستی نامناسبی بر گروه که منتهی به زوال جزئی یا کلی آن شود؛ ۵. انتقال اجباری اطفال گروه به گروه دیگر (Atun, 2011: 3). برخی حقوقدانان معتقدند که برخلاف جنایات علیه بشریت، گسترده بودن اقدامات انجام‌شده برای تحقق عنصر مادی نسل‌کشی ضرورت ندارد و بدین ترتیب کشتن یک یا چند عضو یک گروه، با هدف از بین‌بردن کلی یا جزئی آن گروه، می‌تواند نسل‌کشی باشد. همچنین کشتن بخشی از اعضای گروه که در یک ناحیه جغرافیایی کوچک ساکن هستند، هرچند که به قربانیان کمتری منجر شود، اگر با هدف از بین‌بردن آن بخش از گروه که ساکن آن منطقه کوچک هستند انجام شود، نسل‌کشی محسوب می‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۸: ۱۰۱-۹۳). بنابراین ضرورتی ندارد که یک گروه به‌صورت کامل یا ناقص نابود شود؛ بلکه به‌ضرورت برای اینکه نسل‌کشی مسئولیت مرتکب را در پی داشته باشد، اقدامات ارتكابی موجد عنصر مادی جرم باید با سوء نیت و با هدف انجام شود (سلیماناف، ۱۳۸۸: ۱۷۳). اما برخی دیگر اعتقاد دارند که نمی‌توان هر کشتار و بی‌رحمی را نسل‌کشی نامید و «اگر محکومیت به جنایت علیه بشریت وجود نداشته باشد، محکومیت به جرم نسل‌کشی هم نمی‌تواند وجود داشته باشد» (Murray, 2011: 591). ویلیام شبت معتقد است که ژنوسید یا نسل‌کشی بدترین شکل جنایت علیه بشریت است و امروزه بین این دو تفاوت چندانی وجود ندارد؛ ولی آنچه سبب تمایز نسل‌کشی با سایر جرائم می‌شود، وجود هدف خاص در آن است (شبت، ۱۳۸۴: ۴۷-۴۶).

از آنجا که نسل‌کشی نیازمند هدف خاص نابودسازی گروه است؛ بنابراین از آن به‌عنوان «جنایت جنایت‌ها» یاد می‌شود. این هدف خاص، بالاترین و شدیدترین شکل سوءنیت است. همین مسئله اثبات سوءنیت خاص را دشوار می‌کند؛ زیرا سوءنیت خاص امری ذهنی است. به همین دلیل، دیوان کیفری بین‌المللی رواندا، برخلاف دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی، رویکرد مبتنی بر آگاهی^۱ را به‌کار برد و بسیاری از متهمان را به نسل‌کشی محکوم کرد. بدین ترتیب که اگر متهم می‌دانسته و آگاهی داشته است که اعمال مجرمانه وی منجر به نابودی یک گروه خواهد شد، برای اثبات سوءنیت خاص نسل‌کشی کفایت می‌کند و نیازی به برنامه‌ریزی قبلی برای نابودی گروه نیست (Goldsmith, 2010: 241-253). در توضیح «هدف نابودی» می‌گوییم که مرتکب باید اراده متوجه‌کردن این اعمال در کنوانسیون نسبت به گروه‌های مشخص ماده ۲ را داشته باشد و اگر تنها آن اعمال را انجام دهد و به‌بیانی عنصر مادی جرم محقق باشد؛ اما به نابودی تمام یا بخشی از گروه توجه نداشته باشد، عنصر معنوی نسل‌کشی محقق نخواهد شد؛ بنابراین هدف نابودی گروه‌ها باید به اثبات برسد و نمی‌توان آن را فرض کرد، مانند بمباران‌هایی که علیه اجتماعات انسانی در جنگ‌ها اتفاق می‌افتد، بدون اینکه مرتکب توجه خاصی در این زمینه داشته باشد (جوانمردی صاحب، ۱۳۸۴: ۳۸). در پرونده آکایسو در دادگاه کیفری رواندا مقرر شد که سوءنیت خاص به‌عنوان عنصر بنیادی این جرم، به این معنی است که مرتکب آشکارا اعمال ارتكابی که به آن متهم شده است را می‌خواهد. این دادگاه، سوءنیت نسل‌زدایانه را به‌عنوان عنصر مهم جرم به این صورت توصیف کرد که یک رابطه روانشناختی بین نتیجه فیزیکی و وضعیت ذهنی مرتکب در آن وجود دارد (Ambos, 2009: 837). به‌صورت خلاصه در عنصر روانی نسل‌کشی، وجود علم و هدف (یا سوءنیت) ضروری است. متهم باید از نتایج اعمال ارتكابی خود آگاهی داشته باشد؛ برای نمونه، اگر عمل ارتكابی او قتل است، از نتیجه آنکه سلب حیات قربانی است، آگاهی داشته باشد. در عنصر «آگاهی» حتی بی‌توجهی و غفلت از نتیجه عمل ارتكابی، می‌تواند برای اثبات آگاهی متهم کافی باشد. همچنین کافی نیست که اعضای گروه فقط به‌علت تعلق به یک گروه خاص، مورد هدف قرار گیرند. به‌بیانی، باید هدف «نابودی کلی یا بخشی از گروه» وجود داشته باشد (Schabas, 2009: 261). در این موارد هدف نهایی متهم یا متهمان، نه از اظهارات خود آنان که تلاش خواهند کرد تا هدف نابودی گروه را انکار کنند و اقدامات مجرمانه خود را اعمالی کور و پراکنده جلوه دهند؛ بلکه همچون مسئله‌ای قضایی، از کیفیت اعمال ارتكابی آن‌ها و شرایط و اوضاع و احوال هر مورد به‌وسیله قاضی ممکن است استنباط شود (اردبیلی و دیگران، ۱۳۸۵: ۹).

1. Knowledge-based approach

هرچند هدف نابودی کلی یا جزئی مرتکبان به قطع در رویداد خوجالی احراز نشده است؛ اما با استدلال‌های بیان شده، به نظر می‌رسد که شلیک گلوله از انواع سلاح‌ها از کمینگاه‌ها از قبل سازماندهی شده علیه مردم غیرنظامی و بی‌گناه جمهوری آذربایجان و زنان و کودکان بی‌دفاع که می‌خواستند فرار کنند، می‌تواند وجود سوءنیت خاص برای ارتکاب نسل‌کشی را به اثبات برساند. واقعیت این است که آن اعمال، تنها گروه ملی جمهوری آذربایجان را مورد هدف قرار داده بود که در شهر خوجالی زندگی می‌کردند و به دیگر ساکنان که ملیت دیگری داشتند حمله نشده و آسیبی نرسیده بود؛ بنابراین در صورت اثبات هدف نابودسازی، کشتار مردم خوجالی را می‌توان منطبق با بند یک ماده ۲ کنوانسیون یعنی قتل اعضای گروه و از مصادیق کشی دانست.

اما اگر به دلیل دشواری‌های اثبات امر ذهنی هدف خاص صریح و قطعی نابودسازی مردم خوجالی، محکوم کردن مرتکبان این جنایت به نسل‌کشی سخت باشد، دست‌کم می‌توان از سازمان‌یافتگی و گستردگی حمله نظامی به مردم، آن را جنایت علیه بشریت محسوب کرد. چون در راستای پیشبرد سیاست دولت ارمنستان و علیه جمعیت غیرنظامی بود. همچنین جرائم ارتكابی در طول جنگ و قتل عام مردم غیرنظامی شهر خوجالی که نقض جدی حقوق مخاصمات مسلحانه را تشکیل می‌دهد، در برخی موارد ترکیبی از سایر جرائم بین‌المللی از جمله جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی را نیز به ذهن متبادر می‌کند؛ بنابراین تعدد جرم هم می‌تواند باشد.

ماده ۶ منشور لندن برای اولین بار در تاریخ حقوق جزای بین‌المللی، مصادیق جرائم علیه بشریت را مشخص کرد که عبارتند از: قتل عمد، نابودسازی (تصفیه)، برده‌ساختن، اخراج، اذیت و آزار بنا به دلایل سیاسی، نژادی یا مذهبی و سایر اعمال غیرانسانی که علیه یک جمعیت غیرنظامی انجام می‌شود. پس از منشور لندن، اسناد متعددی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی به جرائم علیه بشریت اشاره کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: قطعنامه سازمان ملل متحد در ۱۹۴۶ در تأیید اصول حقوق بین‌المللی شناخته شده در منشور نورنبرگ، کنوانسیون منع آپارتاید ۱۹۷۳، کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴، کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های ۱۹۷۷ در مورد مخاصمات مسلحانه. از مجموع این اسناد بین‌المللی به این نتیجه می‌رسیم که در جنایت علیه بشریت، صلاحیت جهانی برای رسیدگی وجود دارد و تمامی کشورها می‌توانند متهمان به ارتکاب این‌گونه جرائم را به محاکمه بکشانند (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۳: ۷۱-۷۰). برای تحقق جنایت علیه بشریت، انجام حمله گسترده یا سازمان‌یافته، یعنی برنامه‌ریزی و طراحی شده در راستای اشاعه سیاست دولت یا یک سازمان ضروری است (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۸: ۱۰۸-۱۰۶). از این‌رو، اعمال مجرمانه انفرادی و

غیرسازمان یافته و نیز انجام عمل سازمان یافته علیه یک قربانی نمی تواند جنایت علیه بشریت محسوب شود.

ارامنه برای انجام عملیات نظامی به خوجالی حمله نکردند؛ بلکه هدف آن‌ها کشتار مردم غیرنظامی آنجا بود. آن‌ها به خوبی می دانستند که در خوجالی نیروی نظامی مهمی وجود ندارد و مدافعان اندک شهر عبارت بودند از تعدادی نظامی داوطلبان جبهه خلق و مدافعان محلی. آن‌ها مقاومت کردند؛ اما به دلیل برتری تعداد و تجهیزات دشمن نتوانستند جلوی آن‌ها را بگیرند (عاکف، ۱۳۹۲: ۷۶). پس تسخیر کامل خوجالی زمانی محقق شد که نیروهای داخلی از قره باغ عقب نشینی کردند و بخشی از مردم، شهر اشغالی را ترک کردند.

به موجب حقوق بین الملل، جنگ باید فقط بین نیروهای مسلح طرف‌های متخاصم صورت بگیرد. اهالی غیرنظامی نباید در عملیات جنگی شرکت کنند و همچنین با آن‌ها باید محترمانه برخورد شود. بنابر ماده ۳ کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در مورد حمایت از غیرنظامیان در شرایط جنگی، سوء قصد به جان و امنیت غیرنظامیان، اعم از قتل، معلول کردن، آزار و اذیت و شکنجه غیرنظامیان و تحقیر و اهانت ممنوع است. برحسب ماده ۳۴ این کنوانسیون، گروگان‌گیری اهالی غیرنظامی هم ممنوع است؛ ولی در خوجالی بیش از هزار نفر به گروگان گرفته شدند و این مسئله نشان دهنده بی‌اعتنایی نسبت به موازین حقوق بین الملل بود.

ب) رویداد خوجالی به مثابه جرم بین المللی

گزارشی از دیده بان حقوق بشر/هلسینکی نتیجه گرفته است که «دخالت نیروهای نظامی ارمنی در جمهوری آذربایجان سبب مداخله ارمنستان در مخاصمه شده و جنگ را به درگیری مسلحانه بین المللی میان دولت ارمنستان و جمهوری آذربایجان تبدیل می کند» (Human Rights Watch, 1994: 92). همچنین جنایت‌های تحت صلاحیت قضایی دادگاه بین المللی کیفری، مشمول مرور زمان نمی شوند. هر چند نسل کشی خوجالی به دلیل قاعده عطف به سابق نشدن قوانین، از صلاحیت این دادگاه خارج است؛ اما همان گونه که دیوان نظامی نورمبرگ استدلال کرده بود، اصل قانونی بودن جرم محدودیتی بر حق حاکمیت نیست و یک اصل ناظر به عدالت است و بدون مجازات گذاشتن عمل نادرست مهاجم از مجازات کردن او ناعادلانه تر است (کرایر و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۲). کنوانسیون منع نسل کشی به مسئله مرور زمان اشاره ای نکرده است و این نشان می دهد که جنایت‌های غیرانسانی بین المللی مشمول مرور زمان نمی شوند و محدودیت‌ها و مصونیت‌ها هیچ گاه نباید بر مرتکبان اعمال شود. فرض بر این است که جنایت‌های تعریف شده در اساسنامه دادگاه بین المللی کیفری منعکس کننده آخرین

وضعیت حقوقی عرفی باشند و این جنایت‌ها براساس حقوق بین‌المللی عرفی یا اصول کلی حقوقی شناخته‌شده به وسیله ملل متمدن جنبه کیفری داشتند.

در صورت احراز و اثبات هدف خاص نابودسازی مرتکبان، اسناد زیر را می‌توان به‌عنوان مبنای قانونی توصیف «جنایت رویداد در خوجالی» به‌عنوان «نسل‌زدایی» و «جنایت بین‌المللی» در نظر گرفت: ۱. منشور لندن؛ ۲. کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل‌کشی ۱۹۴۸؛ ۳. اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری برای رواندا؛ ۴. اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی؛ ۵. فرمان رئیس‌جمهوری آذربایجان در زمینه نسل‌کشی مردم جمهوری آذربایجان (۲۶ مارس ۱۹۹۸)؛ ۶. ماده ۱۰۳ قانون جنایی جمهوری آذربایجان (Atun, 2011: 3)؛ ۷. ماده ۳۹۳ قانون جنایی جمهوری ارمنستان.

شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه‌های شماره ۸۲۲، ۸۵۳، ۸۷۴ و ۸۸۴ در مورد اشغال سرزمین جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۳، با اظهار نگرانی شدید از روابط دو کشور و به خطر افتادن صلح و امنیت منطقه و با تأکید بر غیرقابل‌تغییر بودن مرزهای بین‌المللی و ممنوعیت توسل به زور برای تصرف سرزمین دیگران و حاکمیت و تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان، خواستار خروج نیروهای اشغالگر از جمهوری آذربایجان و احترام به حاکمیت سرزمینی کشورها شد؛ اما دولت ارمنستان به این قطعنامه‌ها توجهی نکرد (United Nations Security Council, 1993). اقدامات نظامیان ارمنستان همچنین در تقابل با اعلامیه حمایت از زنان و کودکان در شرایط اضطراری و مناقشه مسلحانه^۱ (مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴) مجمع عمومی سازمان ملل است که بیان می‌کند: زنان و کودکان جزء جمعیت غیرنظامی هستند که در شرایط اضطراری و مناقشات مسلحانه در مبارزه برای صلح و خودمختاری و استقلال، نباید از پناهگاه، غذا، امدادهای پزشکی و دیگر حقوق محروم شوند (سلیمان‌اف، ۱۳۸۸: ۷۶).

ج) مسئولیت بین‌المللی دولت در رویداد خوجالی

در اوایل سال ۱۹۲۸، دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در حکم خود در پرونده کارخانه در خورژو، اصل مسئولیت بین‌المللی را به‌عنوان یکی از اصول حقوق بین‌الملل و همچنین درکی کلی از قانون توصیف کرد (Musayev, 2009: 3). در این پرونده، دادگاه مقرر کرد که نخست یک دولت می‌تواند برای سلب مالکیت از اموال یک بیگانه مسئول شناخته شود؛ دوم، در حقوق بین‌الملل، ملت به‌دلیل اعمال ارگان‌ها و مقامات دولتی مسئول است؛ سوم، این یک قاعده اساسی در حقوق بین‌الملل است که جبران خسارت به‌دلیل نقض قواعد

1. Declaration on the Protection of Women and Children in Emergency and Armed Conflict

حقوق بین‌الملل باید وجود داشته باشد (ICRC, 2015). ماده ۷ منشور لندن، مسئولیت سران دولت‌ها را به دلیل انجام جرائم بین‌المللی به رسمیت شناخت و در ماده ۱۳ پیش‌نویس «قانون جرائم علیه صلح و امنیت بشری» تهیه شده از سوی کمیسیون حقوق بین‌المللی در سال ۱۹۹۶ نیز بر مصونیت نداشتن سران دولت‌ها تأکید شده است (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۳: ۶۹). ارمنستان به عنوان عضو شورای اروپا، چندین تعهد بین‌المللی را با توجه به رأی شماره ۲۲۱ از مجمع پارلمانی متعهد شده است، از جمله تعهد برای پیگیری حل مناقشه قره‌باغ کوهستانی تنها به روش‌های صلح‌آمیز و حل اختلاف‌های بین‌المللی و محلی از راه مسالمت‌آمیز و با توجه به اصول حقوق بین‌الملل و رد قاطعانه هرگونه استفاده تهدیدآمیز از زور علیه همسایگان خود. با این وجود، تداوم اشغال، هنوز هم مانع صلح و توسعه پایدار در منطقه و آتش‌بس است که به صورت منظم نقض شده است (GUAM, 2015) قطعنامه ۱۴۱۶ مجمع پارلمانی شورای اروپا که در ۲۵ ژانویه ۲۰۰۵ تصویب شد، اشغال مداوم بخش‌های قابل توجهی از خاک جمهوری آذربایجان و پاکسازی قومی را تأیید کرد. بنابراین اشغال سرزمین‌های خارجی به دست یک کشور عضو، نقض تعهدهای آن دولت به عنوان عضو شورای اروپا است.

د) مجازات‌های بین‌المللی قابل اجرا

منافع متعارض و متفاوت بازیگران بین‌المللی مانند آمریکا و اروپا و روسیه و جنگ سرد منطقه‌ای و نیز غرب‌گرایی و روسیه‌گرایی دو کشور، مانع حل کامل بحران قره‌باغ شده است و سبب شده که وضعیت نه صلح و نه جنگ استمرار یابد. همچنین قطعنامه‌های سازمان ملل متحد که در جنگ معروف قره‌باغ صادر شده‌اند، هنوز بعد از بیست سال اجرا نشده‌اند. نتیجه منطقی این نگرش بی‌تفاوتی جامعه بین‌المللی به واقعیت این جنگ، مصونیت مرتکبان از مجازات است که مرتکب جنایت علیه مردم قره‌باغ کوهستانی، نقض حقوق طبیعی آن‌ها و نقض پیمان‌های بین‌المللی مربوط به حقوق اساسی بشر شده‌اند و لابی ارمنی به علت ثروت مالی و با حمایت قدرت‌های جهانی توانست مسئولیت بین‌المللی و محکومیت عمومی را از خود دور کند (Mustafayeva, 2015: 3).

اگر بتوان این کشتار را نسل‌کشی محسوب کرد، مرتکبان مشمول مواد ۵ و ۶ کنوانسیون منع نسل‌کشی هستند. ماده ۶ در مورد دادگاه صالح مقرر می‌دارد: «دو طرف متعهد متعهد به ارائه مجازات مؤثر برای افراد محکوم به جرم نسل‌کشی است. اشخاص متهم به نسل‌کشی باید به وسیله دادگاه صالح دولتی که جنایت در قلمروی آن انجام شده است، محاکمه شوند و یا به وسیله دادگاه کیفری بین‌المللی که ممکن است در رابطه با دو طرف قرارداد صلاحیت داشته باشند و دو طرف صلاحیت آن را پذیرفته باشند، مجازات شوند». همچنین در مورد نسل‌کشی،

رویه قضایی دیوان‌های یوگسلاوی و رواندا و قوانین بین‌المللی به این شرح مقرر می‌کنند: ۱. اصول صلاحیت جهانی و کنوانسیون‌های بین‌المللی باید اعمال شود؛ ۲. در مورد نسل‌کشی، قانون عطف به‌ماسبق می‌شود؛ ۳. نه تنها مرتکبان بلکه کسانی که نسل‌کشی را هدایت و راهنمایی می‌کردند باید مسئول شناخته شوند و برای محاکمه به دادگاه برده شوند؛ ۴. مرتکبان یا باید محاکمه شوند و یا به دولت تقاضاکننده استرداد شوند؛ ۵. انجام جرم تحت فرمان مافوق نباید مجرم را از مسئولیت معاف کند؛ ۶. مقامات مافوق و افسران عالی‌رتبه باید مسئولیت را تحمل کنند.

در جرائم علیه بشریت نیز فرماندهان در قبال دستورهای غیرقانونی که به زیردستان می‌دهند و همچنین به دلیل جلوگیری نکردن از رفتار غیرقانونی زیردست، مسئولیت کیفری دارند. حتی مسئولیت فرماندهان به دلیل سهل‌انگاری نسبت به اعمال ارتكابی از سوی افراد تحت امر آنان به قطع در حقوق بین‌المللی عرفی و پیمان‌هایی که بیشتر اشاره شد، پذیرفته شده است (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۳: ۶۰).

نتیجه

به نظر می‌رسد که حقایق موجود از رویدادهای خوجالی تأیید می‌کنند که اقدامات عمدی نیروهای اشغالگر در کشتار دسته جمعی ساکنان این شهر، به دلیل مؤلفه‌های قومی، ملی و مذهبی آن‌ها صورت گرفت. خوجالی به‌عنوان یک هدف و نقطه شروع برای خصومت بیشتر، تهاجم و پاکسازی قومی انتخاب شد. هرچند احراز هدف خاص نابودسازی کلی یا جزئی مردم جمهوری آذربایجان در رویداد خوجالی دشوار است؛ اما از نشانه‌های عینی از جمله گستردگی و سازمان‌یافتگی کشتار و هویت و تعداد به‌نسبت زیاد قربانیان و کشتار زنان و کودکان بعید نیست که بتوان آن را نسل‌کشی محسوب کرد. حتی اگر نتوان این هدف خاص را احراز و اثبات کرد، دست‌کم می‌توان این رویداد را جنایتی علیه بشریت دانست. بدین ترتیب، شکل برخورد نیروهای مهاجم در شرایط جنگی و نقض جدی حقوق مخاصمات مسلحانه به‌وسیله آن‌ها در طول جنگ، در برخی موارد می‌تواند ترکیبی از سایر جرائم بین‌المللی از جمله جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی هم باشد. جرائم انجام‌شده در طول جنگ ارمنستان و جمهوری آذربایجان، مسئولیت دولت و مسئولیت کیفری فردی به‌دنبال دارد. دخالت نیروهای نظامی ارمنی در جمهوری آذربایجان سبب مداخله ارمنستان در مخاصمه شده و جنگ را به درگیری مسلحانه بین‌المللی تبدیل کرد. بنابراین یک عمل مجرمانه بین‌المللی به‌دست نهادها و عوامل دولتی انجام شد که به‌منزله نقض تعهد بین‌المللی و منتسب به دولت است. محدودیت‌های قانونی نباید بر جنایت‌های بین‌المللی اعمال شود و انجام جرم تحت دستورات مافوق نباید مجرم را از مسئولیت معاف کند. سازمان‌های بین‌المللی و جامعه

جهانی باید یک ارزیابی سیاسی - حقوقی از رویدادهای خوجالی ارائه دهند تا نوع جرائم انجام شده در این رویداد به صورت قطعی مشخص شود و مرتکبان آن در یک دادگاه صالح بین‌المللی محاکمه شوند.

منابع

الف) فارسی

۱. اردبیلی، محمدعلی، محمدجعفر حبیب‌زاده و حسین فخر (۱۳۸۵)، «نسل‌کشی و ضرورت جرم‌انگاری آن در حقوق ایران»، *مدرس علوم انسانی*، دوره ۱۰، شماره ۳، صص ۱-۲۵.
۲. جوانمردی صاحب، مرتضی (۱۳۸۴)، «نسل‌زدایی، ساختار عناصر جرم»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۸، صص ۴۸-۱.
۳. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۷۲)، «سخنرانی رهبر انقلاب در اجتماع عظیم مردم تبریز»، ۵ مرداد، <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=10527> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۴/۵/۱۵).
۴. زهرانی، مصطفی و تیمور فرجی لوحه‌سرا (۱۳۹۲)، «منابع بین‌المللی تداوم بحران قره‌باغ»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، دوره ۱۹ شماره ۸۳، صص ۱۳۴-۱۰۷.
۵. سلیمان‌اف، ائلخان (۱۳۸۸)، *نسل‌کشی خوجالی یک میلیون امضا یک درخواست*، ترجمه سعید باقری، تبریز: نگار اندیشه.
۶. شبت، ویلیام (۱۳۸۴)، *مقدمه‌ای بر دیوان بین‌المللی کیفری*، ترجمه سیدباقر میرعباسی و حمید الهوتی نظری، تهران: جنگل.
۷. عاکف، نقی (۱۳۹۲)، *تاریخ مختصر جنگ قره‌باغ*، ترجمه محمدعلی پرغو و غفار عبداللهی، متنق، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
۸. کرایر، رابرت و دیگران (۱۳۹۳)، *درآمدی بر حقوق و آیین دادرسی بین‌المللی کیفری*، ترجمه حسین فخر و داود کوهی، تهران: مجد.
۹. کرمی، جهانگیر (۸۷-۱۳۸۶)، «ایران و اوراسیای مرکزی: آشفتگی نقش و عملکرد»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۱، شماره ۱، صص ۹۰-۷۱.
۱۰. معین‌آبادی بیدگلی، حسین و صیاد صدری علی بابالو (۱۳۹۴)، «عملکرد سازمان امنیت و همکاری اروپا در مناقشه قره‌باغ بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۸، شماره ۱، صص ۱۰۶-۸۵.
۱۱. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۸)، *دادگاه بین‌المللی کیفری*، تهران: دادگستر.

۱۲. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۳)، **حقوق جزای بین‌الملل**، تهران: میزان.

(ب) انگلیسی

1. Ambos, Kai (2009), "What does 'Intent to Destroy' in Genocide Mean", **International Review of the Red Cross**, Vol. 91, No. 876, pp. 833-858.
2. Atun, Ata (2011), "The Legal Aspects of Khojali Issue", **International Journal of Academic Research**, Vol. 3, No. 4, pp. 262-268.
3. **Azerbaijan: Seven Years of Conflict in Nagorno-Karabakh** (1994), New York: Human Rights Watch.
4. Baguirov, Adil (2008), "Nagorno-Karabakh: Basis and Reality of Soviet-era, Legal and Economic Claims used to Justify the Armenia-Azerbaijan War", **Caucasian Review of International Affairs**, Vol. 2 No. 1, pp. 11-24.
5. De Waal, Thomas (2004), **Black Garden: Armenia and Azerbaijan through Peace and War**, New York: NYU Press.
6. Goldsmith, Katherine (2010), "The Issue of Intent in the Genocide Convention and Its Effect on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide: toward a Knowledge-Based Approach", **Genocide Studies and Prevention: An International Journal**, Vol. 5, No. 3, pp. 239-257.
7. **GUAM - Organization for Democracy and Economic Development** (2015), "Statement by the Ombudsman of the Republic of Azerbaijan Suleymanova on 23rd Anniversary of the Khojaly Massacre", Available at: <http://guam-organization.org/node/1694>, (Accessed on: 22/11/2017).
8. Hakobyan, Tatul (2010), "Khojaly: The Moment of Truth", **Armenian Cause Foundation**, Reprints No. 2, Available at: <http://www.arfd.am/library/docs/N2-final.pdf>, (Accessed on: 22/11/2017).
9. **ICRC** (2015), "Rule 150. A State Responsible for Violations of International Humanitarian Law is Required to Make Full Reparation for the Loss or Injury Caused", Available at: https://www.icrc.org/customaryihl/eng/docs/v1_cha_chapter42_rule15, (Accessed on: 10/6/2016).
10. Malkonian, Markar (2005), **My Brother's Road: an American's Fateful Journey to Armenia**, London and New York: I. B. Tauris.
11. Murray, Alexander R. J. (2011), "Does International Criminal Law Still Require a 'Crime of Crimes'? a Comparative Review of Genocide and Crimes against Humanity", **Goettingen Journal of International Law**, Vol. 3, No. 2, pp. 589-615.
12. Musayev, Tofiq F. (2009), "International Legal Responsibility for the Crime of Genocide in Khojaly", **LAW**, Vol. 37, No. 1, Available at: <http://irs-az.com/new/pdf/090628163317.pdf>, (Accessed on: 22/11/2017).

13. Muslum, Sariyya (2007), “Khojaly is not Dead”, **Cashoglu Publishing House**, Available at: http://elibrary.bsu.az/books_460/N_234.pdf, (Accessed on: 22/11/2017).
14. Mustafayeva, Najiba (2015), “The International Criminal Responsibility of The Perpetrators of the Khojaly Genocide”, **Research Institute for European and American Studies**, Available at: <http://www.rieas.gr/researchareas/2014-07-30-08-58-27/eurasian-studies/2372-the-international-criminal-responsibility-of-the-perpetrators-of-the-khojaly-genocide>, (Accessed on: 22/11/2017).
15. **Organization of Islamic Cooperation** (2016), “Resolution on OIC Youth Strategy”, Available at: https://www.oic-oci.org/subweb/icmys/3/en/docs/3icysm_res_strat_en.pdf, (Accessed on: 22/11/2017).
16. **Parliamentary Assembly** (2006), “The Armenian Policy of Ethnic Cleansing against Azerbaijanis”, Doc. No. 10990, June 27, Available at: <http://assembly.coe.int/nw/xml/XRef/X2H-Xref-ViewHTML.asp?FileID=11283&lang=en>, (Accessed on: 12/7/2015).
17. Rachel, Denber (1992), **Bloodshed in the Caucasus: Escalation of the Armed Conflict in Nagorno Karabakh**, New York: Helsinki Watch, a Division of Human Rights Watch.
18. Schabas, William A. (2009), **Genocide in International Law, the Crime of Crimes**, Cambridge University Press.
19. **United Nations Security Council** (1993), “Resolutions No. 822, 853, 874, 884”, Available at: <http://www.un.org/Docs/scres/1993/scres93.htm>, (Accessed on: 22/11/2017).